

کد مقاله: ۱۴۰۳۰۸۱۲۱۱۸۹۲۸۲

بررسی عناصر انسجام متن سوره قلم براساس نظریه مایکل هالیدی و رقیه حسن

دکتر علیرضا قوجهزاده^۱

فاطمه نیروی آغمیونی^۲

مریم بهرامیان فاعل^۳

چکیده

انسجام یکی از رکن‌های مهم و اساسی ارتباط در متن است. نظریه هالیدی، میزان انسجام از روی روابط معنایی بین جملات و تعیین عوامل انسجام در بخش‌های مختلف متن بوده و به آن تداوم بخشیده است. تا خواننده یا شنونده عناصر ناموجود در متن را، که برای تغییر آن ضروری هستند، دریابد. انسجام ارتباط بین آیات با برخی آیات دیگر وجود دارند که این ارتباط باید در حکم یک کلمه و دارای معانی هماهنگ و ساختار منظمی باشند. انسجام در متن زمانی به وجود می‌آید که تعبیر و تفسیر عنصری وابسته به تعبیر و تفسیر عنصر دیگر باشد و عناصر درونی یک متن و جملات آن، به شیوه‌های متعدد به هم وابسته باشند. نظریه‌های مختلفی که کامل‌ترین آنها از لحاظ طبقه‌بندی، نظریه مایکل هالیدی و رقیه حسن (۱۹۷۶) است، وجود دارد. نظریه پردازان انسجام متن را به سه نوع ساختاری، واژگانی، و پیوندی - معنایی تقسیم می‌کنند و برای هر یک عوامل و عناصری را معرفی می‌کنند. نتیجه حاصل از این پژوهش بررسی انسجام متن در سوره قلم است که به تمامی ساختارها و انواع آن در این سوره اشاره شده که عبارتند از: دستوری (ارجاع، جانشینی و حذف)، لغوی (تکرار، تقارن)، و ارتباط معنایی (ارتباط تشبیهی، ارتباط خلاف انتظار، ارتباط سببی) است. همچنین بیشترین عناصر انسجام در این سوره مربوط به ساختار ارتباط معنایی (اضافی - تمثیلی)، (ارتباط سببی - علت) و ارتباط زمانی است.

کلیدواژه‌ها: سوره قلم، انسجام متن، هالیدی، حسن

Alirezagojezadeh0914@gmail.com

fniroee@yahoo.com

maryambahramyan@yahoo

^۱. هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پیشوا - ورامین

^۲. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد پیشوا - ورامین

^۳. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

مقدمه

«به عبارتی متن مجموعه‌ای از یک یا چند جمله است که دارای معنا یا پیامی معین باشد. بنابراین متن یک واحد زبانی و معنایی است یک واحد دستوری مانند بند و جمله برای متن می‌توان ملاک اندازه یا مقیاس خاص قائل شد. به عبارتی متن چیزی بزرگ‌تر از جمله از بین جملات یک متن روابط معینی برقرار است. که آن متن را از مجموعه جملاتی که به طور تصادفی کنار هم قرار گرفته‌اند جدا می‌سازد یکی از این مشخصه‌ها انسجام است (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۱).

از دیدگاه هالیدی و حسن بخشی از انسجام از رهگذر دستور و بخشی دیگر از رهگذر انسجام تحقق می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت: دو نوع انسجام داریم؛ دستوری و واژگانی. عوامل انسجام دستوری شامل ارجاع حذف و جانشینی می‌باشد و مهمترین عوامل واژگانی است زیرا در مقاله حاضر از بر اساس عوامل انسجام انجام شده است.

انسجام^۱ عبارت است از سازوکارهای درون‌متنی زبان، که گوینده یا نویسنده را در ایجاد ارتباط در یک جمله یا میان جملات متعدد، یاری می‌دهد، (جلالی، ۱۳۸۸) و به بیانی علمی‌تر: «یک مفهوم معنایی است و به روابط معنایی موجود میان عناصر درون متن گفته می‌شود که آن را، به عنوان متن مشخص می‌کند. انسجام، زمانی برقرار می‌شود که تعبیر و تفسیر عناصری از متن به تعبیر و تفسیر دیگر عناصر متن وابسته باشد» (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴). این نوع ارتباط انسجامی ممکن است بین جملات متعدد یا فقط بین اجزای متفاوت یک جمله برقرار شود.

اما بحث انسجام یا عدم انسجام سوره‌های قرآن بحثی است میان اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان که شروع آن مربوط می‌شود به دوران معاصر و تلاش تعدادی از مفسران که اهتمام خود را بر تفسیر منسجم و یکپارچه قرآن متمرکز کرده بودند. از جمله عوامل مؤثر در گرایش به این تفسیر یکپارچه از قرآن می‌توان به این موارد اشاره کرد که: اولاً این دیدگاه، واکنشی است نسبت به رویکرد سنتی در تفاسیر قرآن که در آن بیشتر به

^۱.cohesion

جزئیات نحوی و زبان - شناختی آیات تأکید می‌شده و کمتر به مضامین سوره‌ها می‌پرداختند، و از سوی دیگر عکس‌العملی است در مقابل انتقادهای غربیان که قرآن را کتابی آشفته، تکراری و متناقض می‌شمرده‌اند. «اما عامل مؤثر دیگر در گرایش به این رویکرد، به فهم یک سده اخیر روشنفکران مسلمانان باز می‌گردد که معتقدند تفسیر مجدد اسلام را باید از قرآن آغاز کرد» (آقایی، ۱۳۸۶: ۲-۱).

از میان نخستین کسانی که بر نظریه انسجام و وحدت سوره‌های قرآن تأکید کرده و تفسیر منسجم و یکپارچه را مطرح کرده‌اند می‌توان به: محمد عبده در تفسیر «المنار»، سید قطب در «فی ظلال القرآن» و علامه طباطبایی در «المیزان فی تفسیر القرآن» اشاره کرد (العلو، ۱۳۸۷) اما دلایل اندیشمندان غیر مسلمان مبنی بر بی‌نظمی و تکراری بودن قرآن برمی‌گردد به ترجمه‌های آن به زبان‌های اروپایی که در آنها بخش قابل ملاحظه‌ای از سبک و حتی معانی قرآنی مفقود است (همان). نگارندگان در این پژوهش سعی کرده‌اند با استفاده از نظریه انسجام متن «مایکل هالیدی» و «رقیه حسن» عناصر انسجام متن سوره قلم را بررسی کند و انسجام‌های ساختاری، لغوی، و معنایی سوره را به اثبات برسانند.

البته در دید اول شاید پیاده‌سازی این نظریه مدرن و زبانشناسه بر متن قدسی و الهی قرآن درست به نظر نرسد اما همچنان که دیگر پژوهشگران نیز به این مسئله واقف هستند، باید چنین متذکر شد که قرآن متنی است که هدف اصلی آن انتقال پیام‌های ویژه به انسان‌هاست و این پیام‌ها نیز در قالب زبانی بیان شده‌اند، بنابراین هر تلاشی برای تبیین این متن ضروری و استفاده از هر روش علمی و منطقی برای دستیابی به فهمی بهتر جایز می‌باشد.

سؤالات پژوهش

- ۱- روابط انسجام متن در سوره قلم چگونه است؟
- ۲- کدام ساختار انسجام بیشتری دارد و انسجام رابطه آن چگونه است؟

فرضیه‌های پژوهش

۱- رویکرد انسجام متن در سوره قلم در تمامی ساختارها (دستوری، لغوی، ارتباط معنایی) کاربرد داشته است.

۲- بیشترین عناصر انسجام در سوره قلم از نوع ساختار(ارتباط معنایی) است. رابطه در سراسر متن انسجام یافته و قابل مشاهده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نوع تحلیلی - توصیفی است که روابط انسجام متنی در سوره قلم بررسی شد. با هدف مشخص کردن حوزه ساختاری انسجام متن و روابط معنایی آن بر اساس نظریه‌های هالیدی و حسن این پژوهش صورت پذیرفته است.

پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین منابعی که در نگارش این مقاله بسیار مفید واقع شد، می‌توان به کتاب‌ها، مقالات و پژوهش‌های زیر اشاره کرد: کتاب تفسیرالمیزان، نوشته علامه طباطبائی. و همچنین کتاب «انسجام در انگلیسی»^۱، نگارش دو نظریه‌پرداز معروف زبان‌شناسی: مایکل هالیدی و رقیه حسن به تدوین مقاله کمک شایانی نمود. از آنجا که پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام شده است؛ اما تاکنون پژوهشی درباره «عناصر انسجام متن سوره قلم بر اساس نظریه مایکل هالیدی و رقیه حسن» صورت نپذیرفته است.

۱. العلووا. سلوا. (۱۳۸۷). «تناسب مضمونی و انسجام ساختاری در قرآن». مترجم:

سیدعلی آقایی، کتاب ماه دین، سال یازدهم، مهر، شماره ۱۳۲.

۲. حمیدی، اشرف. (۱۳۹۹). بر پایه ایده ساختار هندسی سوره در قرآن. رشد آموزش

قرآن و معارف اسلامی، شماره ۱۱۲، صص ۵۶- ۶۰، بهار.

۳. مهتدی، حسین. (۱۴۰۰). «بررسی انسجام متنی در سوره لقمان بر اساس نظریه

نقش‌گرای مایکل هالیدی و رقیه حسن». پژوهش‌های ادبی - قرآنی. سال نهم،

شماره سوم، پاییز.

¹Cohesion in English

۴. خامه‌گر، محمد. (۱۳۸۲). *تفسیر ساختاری سوره قلم*. رشد آموزش قرآن، شماره ۳.
۵. محمودی، شعیب. (۲۰۱۰). «بنیة النص فی سورة الکهف: مقاربه نصیه للإتساق و السياق». تحت إشراف الأستاذ الدكتور یحییٰ بعیطیش، الجزائر: جامعة منتوری.
۶. دهقانی، ناهید. (۱۳۸۸). «بررسی عناصر ایجاد انسجام متن در کشف‌المحجوب هجویری». آینه میراث پاییز و زمستان، شماره ۴۵، علمی - ترویجی، صص ۹۹-۱۲۰.

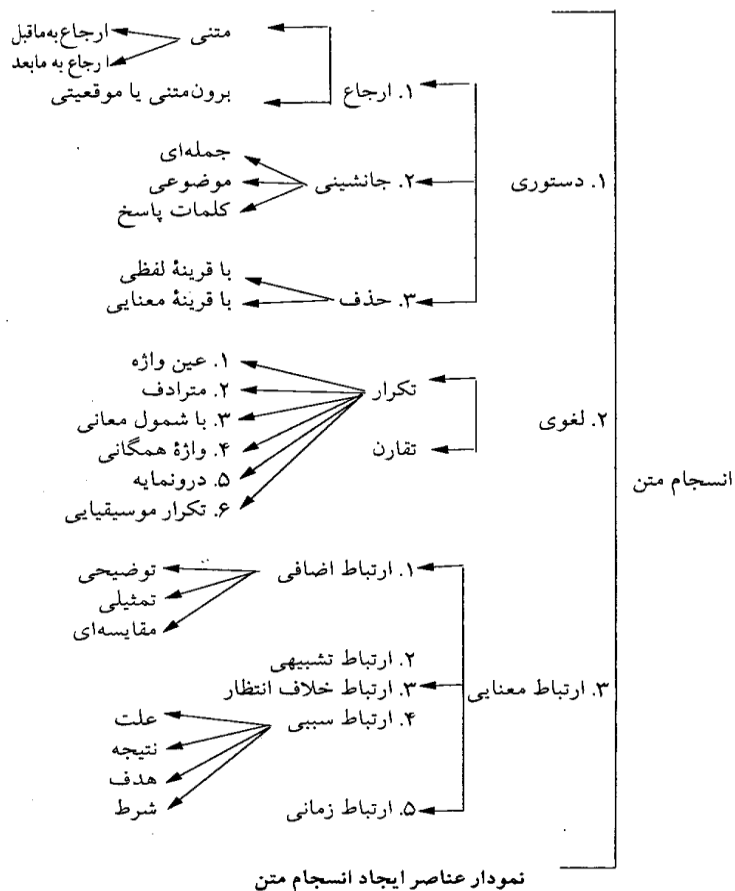
انسجام متن و دیدگاه هالیدی و حسن

درباره انسجام متن توصیف‌های گوناگونی وجود دارد (ویدوسن، ۱۹۷۸: ۲۹-۵۲). نقش انسجام در واقع، برقراری رابطه بین دو قسمت از متن و تداوم بخشیدن به آن است تا بدین وسیله، خواننده یا شنونده عناصر ناموجود در متن را که برای تعبیر آن ضروری هستند دریابد (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۲۹۹). و این انسجام در متن زمانی به وجود می‌آید که تعبیر و تفسیر عنصری وابسته به تعبیر و تفسیر عنصر دیگر باشد و عناصر درونی یک متن و جملات آن، به شیوه‌های متعدد به هم وابسته باشند (معین‌الدینی، ۱۳۸۲).

آراء و عقاید زبان‌شناسان در رابطه با ادوات و عناصر تحقق بخش انسجام در متن متعدد و مختلف است هر چند که همگی بر روی برخی از موارد اصلی و پایه‌ای‌اش اتفاق نظر دارند. اما از معروف‌ترین زبان‌شناسان که در رابطه با عناصر انسجام بخش متن به بحث و تحقیق علمی پرداخته‌اند «مایکل هالیدی» زبان‌شناس انگلیسی و «رقیه حسن» هستند که به‌طور مشترک در تألیف خود تحت عنوان «انسجام در انگلیسی» یکی از کامل‌ترین تقسیم‌بندی‌ها را از این عناصر ارائه داده‌اند (محمودی، ۲۰۱۰: ۳۹) هالیدی و حسن برای تشخیص متن از غیر متن «متنیت»^۱ را برمی‌گزیدند و انسجام را یکی از عوامل مهمی که سبب ایجاد متنیت می‌شود برمی‌شمردند. از دیدگاه آن دو، یک متن دو نوع انسجام دارد: دستوری و واژگانی، (۱۹۷۶: ۶). اما لطفی‌پور عوامل پیوندی و معنایی را از دستوری جدا کرده و می‌نویسد: «هالیدی و حسن ابزارهای آفریننده انسجام متن را در زبان انگلیسی به سه دسته (الف) دستوری (ب)، لغوی (ج)، پیوندی تقسیم می‌کنند» (۱۳۷۱: ۳۱) و این در

2. texture

حالی است که در متن انگلیسی نظریه، عوامل انسجام به دو دسته تقسیم شده‌اند و در واقع انسجام پیوندی (معنایی و منطقی) زیر مجموعهٔ انسجام دستوری به حساب می‌آید.



سوره قلم و شأن نزول

سوره قلم از سوره‌های مکی قرآن کریم است و ۵۲ آیه دارد. این سوره در سال سوم بعثت رسول نازل شده است. یعنی در شرایطی که وی دعوت خود را علنی و همگان را از محتوای رسالت خود آگاه کرده است. همچنان که در آیات اولیه سوره می‌بینیم در این شرایط است که مشرکان از شروع این دعوت برحق بیم‌ناک شده و برای مبارزه با آن، تهمت مجنون بودن و دیوانگی را به رسول خدا نسبت می‌دهند. کلمه «مجنون» یعنی جن‌زده (دیوانه) و از واژه «جن» گرفته شده است. منظور مشرکان از این تهمت این بوده که حرف‌هایی که پیامبر می‌زند، پریشان‌گویی است. شدت اهانت و استیصال مشرکان در این تهمت، زمانی کاملاً آشکار می‌شود که عرف رایج آن روزگار عربستان دانسته شود، عرفی که در آن هرچیز را که علتش را نمی‌دانستند یک نوع پریشان‌گویی ذهنی می‌دانسته و آن را به جن نسبت می‌دادند، چرا که نمی‌توانستند علت مشکلات روانی را پیدا کنند و آن را به جن نسبت می‌دادند. از همین رو مشرکان نیز برای دور نگه داشتن عامه مردم از دعوت نبی مکرم، آیات قرآن را با قیاس و تشابه به سخنان افراد دیوانه و جن‌زده، پریشان‌گویی شخصی گرفتار به صدمه‌های اجنه قلمداد کرده و به این صورت جنگ روانی را بر علیه او به کار می‌گرفتند (جمشیدی، ۱۳۹۰).

سوره «قلم» از پنج بخش تشکیل یافته است که عبارتند از:

- ۱- بیان دلایل نفی جنون از پیامبر (آیات ۱-۹) ۲- خصوصیات اخلاقی و شخصیتی
- تهمت‌زندگان (آیات ۱۰-۱۵) ۳- عاقبت شوم تهمت‌زندگان (آیات ۱۶-۳۴) ۴- وظیفه پیامبر
- در برابر مشرکان و تهمت‌های آنان (آیات ۴۸-۵۰) ۵- تهمت جنون، اوج درماندگی مشرکان
- (آیات ۵۱-۵۲). این پژوهش در حوزه معیار بخش‌بندی که پرتو تحلیل انسجام ساختاری است، به کار رفته است.

تحلیل انسجام ساختاری سوره قلم

«انسجام^۱» و «پیوستگی^۲» به عنوان دو رکن بنیادین ارتباط متن، به طور عام مورد توجه زبان‌شناسان و به طور خاص مورد توجه اندیشمندان تجزیه و تحلیل گفتمان، قرار گرفته است (جلالی، بی‌تا). در این نوشتار کوشش شده تا ضمن ارائه تعریفی علمی از انسجام و مقوله‌های انسجام - به عنوان یکی از این دو رکن - عوامل و عناصر ایجاد انسجام متنی سوره قلم بررسی و تحلیل شوند.

انسجام ساختاری^۳

انسجام ساختاری یا دستوری به رابطه‌های دستوری جمله‌های متن مربوط می‌شود. این نوع انسجام متنی سه شکل عمده دارد: «ارجاع»، «جانمایی» و «حذف» که در زیر به چگونگی بروز هر کدام در ساختار سوره قلم می‌پردازیم:

ارجاع^۴

ارجاع به واژگان خاصی اطلاق می‌شود که در متن ارتباط ساختاری برقرار می‌نمایند. بدیهی است، درک معنای این واژگان ویژه با مراجعه به عناصر دیگر متن امکان‌پذیر می‌شود... ارجاعات بر دو نوعند:

۱- ارجاعات درون‌متنی ۲- ارجاعات برون‌متنی. ارجاعات برون‌متنی مخاطب را در جهت درک و تفسیر معنا نیازمند اطلاعاتی خارج از متن می‌سازد. معمولاً مخاطب این مشکل را با استفاده از بافت موقعیتی - محیط حل و فصل می‌کند. ارجاع درون‌متنی بر دونوع است: الف) ارجاع به ما قبل، که مرجع قبل از ضمیر قرار می‌گیرد؛ ب) مابعد، که در متن ابتدا ضمیر و بعد مرجع قرار می‌گیرد (جلالی، ۱۳۸۸). عناصر ارجاعی درون‌متنی به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- ارجاع شخصی ۲- ارجاع اشاره‌ای ۳- ارجاع مقایسه‌ای.

1. cohesion

2. coherence

3. Grammatical / structural cohesion

4. Reference

الف - ارجاع شخصی: ارجاع شخصی به مقوله شخص ارجاع می‌دهد، و در نظری [هالیدی و حسن سه نوع دارد: ضمائر شخصی، ضمائر ملکی، صفات ملکی. و ضمائر شخصی نیز شامل فاعلی و مفعولی است (ابراهیمی، ۱۳۷۶: ۸۸). اما آنچه در زبان انگلیسی با عنوان ضمیر ملکی شناخته می‌شود در عربی معادلی ندارد، و برای صفات ملکی هم در عربی نمی‌توان معادلی یافت؛ مگر ضمائر شخصی که گاهی در نقش اضافی معنای صفت ملکی می‌دهد؛ مانند ضمیر متصل متکلم وحده در «کتابی» که شیوه کاربرد آن با شیوه کاربرد صفات ملکی در انگلیسی متفاوت است.

بخش قابل توجه موارد ایجاد انسجام در متن سوره قلم از نوع ارجاع شخصی و آن هم از نوع ضمائر شخصی است، به این صورت که در آیات مختلف متن سوره مکرراً و پی در پی به مرجع‌های درون و برون متنی ارجاع داده می‌شود که از نمونه شاهد مثال‌های آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مرجع ضمیر «أنت» در آیه دوم، و ضمیر متصل «کاف در إِنْکَ» در آیه چهارم، پیامبر اکرم (ص)، و مرجع ضمیر متصل «واو» در «يُبْصِرُونَ» و «وَدُّوا» در آیه‌های پنجم و نهم کفار مکه، و مرجع ضمائر «نحن مستتر» و «متکلم مع الغیر نا» در «سَنَسِمُهُ» و «بَلَوْنَاهُمْ» خداوند متعال و همگی از نوع ارجاع برون متنی هستند. و اما مرجع ضمائر «واو» در «أَقْسَمُوا» در آیه ۱۷ صاحبان باغ یعنی «أَصْحَابَ الْجَنَّةِ»، و مرجع ضمیر مستتر «هو» در «يُيَدِّلُنَا» در آیه ۳۲ پروردگار متعال یعنی رَبُّنَا، و مرجع ضمیر «هُوَ» در آیه ۴۸ حضرت یونس یعنی صَاحِبِ الْحُوتِ است، که همه این‌ها نیز از نوع ارجاع ضمیر شخصی به مرجع درون متنی است.

و از نمونه ارجاع‌های شخصی از نوع صفت ملکی در این سوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ارجاع ضمیر «هاء» در واژه «سَبِيلِهِ» در آیه ۷ به مرجع «رَبِّکَ» از نوع ارجاع به ماقبل و درون متنی.

ارجاع ضمیر «هم» در واژه «رَبِّهِمْ» در آیه ۳۷ به مرجع «الْمُتَّقِينَ» از نوع ارجاع به ماقبل و درون متنی.

ارجاع ضمیر «هاء» در واژه «رَبِّهِ» در آیه ۴۹ به مرجع «صَاحِبِ الْهُوتِ» از نوع ارجاع به ماقبل و درون متنی.

ارجاع ضمیر «هُوَ» در آیه پایانی سوره به مرجع «الذِّكْرُ» از نوع ارجاع به ماقبل و درون متنی.

ب - ارجاع اشاره‌ای: هالیدی ارجاع اشاره‌ای را ارجاع به محل و میزان نزدیکی و دوری تعریف می‌کند (غلامحسین زاده، ۱۳۸۷) و اما در دستور زبان فارسی، میان ضمیر اشاره، و اسم یا صفت اشاره تفاوت می‌گذاریم. اسم اشاره مانند «این کتاب، آبی است» و ضمیر اشاره مانند «این، کتاب آبی است». همین تفاوت را نیز در به کارگیری اسماء اشاره در زبان عربی می‌توان یافت، گو اینکه نحویان متقدم چنین تفکیکی نکرده‌اند. از میان اسماء اشاره کلماتی چون اولئک، اولئکم، ذلکم و ذلکن همواره در قرآن کریم در قالب ضمیر اشاره به کار رفته‌اند، اما کلماتی چون هذا، هذه، تلک، ذلک و هؤلاء، هم به گونه ضمیر اشاره و هم به گونه صفت اشاره آمده‌اند (کریمی‌نیا، ۱۳۷۶). در سوره مبارکه قلم ارجاعی از نوع ارجاع اسم اشاره به مکان وجود ندارد، و اما از نوع ارجاع ضمیر اشاره نیز فقط دو نمونه وجود دارد و یکی از آنها در آن بخش دوم سوره یعنی بخش بر شمردن خصوصیات اخلاقی و شخصیتی تهمت‌زنندگان است، آنجا که در آیه ۱۳ می‌فرماید: «عُتِلُّ بَعْدَ ذَلِكَ زَعِيمٌ» یعنی «بد اخلاق و فحاش است علاوه بر آن بد اخلاقی و فحاشی، بی‌اصل و نسب هم هست». همان‌طور که می‌بینیم لفظ «ذلک» در این آیه ضمیر اشاره به صفت ما قبل خودش است. و نمونه دیگری در آیه ۴۰ می‌باشد: «سَلُّهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ»

ج - ارجاع مقایسه‌ای: ارجاع مقایسه‌ای از طریق شباهت یا تفاوت و به صورت غیرمستقیم در یک متن، مورد استفاده قرار می‌گیرد. و باید چنین ذکر کرد که اگر ارجاع شخصی و اشاره‌ای رابطه هم مرجعی را نشان می‌دهند، ارجاع مقایسه‌ای رابطه تقابل را

بیان می‌کند و در واقع به این صورت است که یک مقوله را در یک ویژگی، همانند یا متفاوت با مقوله‌ای که قبلاً ذکر شده است نشان می‌دهد (غلامحسین زاده، ۱۳۸۷). از این نوع ارجاع در سوره قلم می‌توان به آیه ۳۳ سوره که می‌فرماید: «كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» در واقع این آیه ارجاع مقایسه‌ای عذاب اخروی مشرکان به عذاب دنیوی باغداران ثروتمند است، و این ارجاع به این منظور انجام شده تا به کافران بفهماند این عذاب که با این شدت و حدت می‌بینید، عذاب دنیوی است و به قطع یقین عذاب اخروی شما در کفرتان بسی سخت‌تر و دردناک‌تر از این است. این ارجاع از نوع ارجاع به ما قبل است.

جانشینی^۱

قرار گرفتن یک عنصر زبانی و یک کلمه به جای عنصر دیگر (اسم، فعل، جمله، بند)، با هدف اقتصاد کلامی و ایجاد انسجام در متن، جایگزینی یا جانشینی است.

از جمله موارد انسجام‌بخش جانشینی در سوره قلم می‌توان به آیه‌های زیر اشاره کرد: در آیه «بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ^۲» واژه «بَلْ» جانشینی از جمله تقدیری «إِنَّا لَسْنَا ضَالُّونَ» است، همچنان‌که در آیه پیشین آن می‌بینیم که باغداران ثروتمند اذعان دارند که راه را گم کرده‌اند «فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ» و وقتی که متوجه می‌شوند راه را درست طی کرده‌اند بار دیگر اذعان می‌کنند که راه را گم نکرده‌ایم و درست آمده‌ایم در واقع حقیقت مطلب این است که از جانب خداوند از نعمت محروم شده‌ایم. یا در آیه ۴۲ سوره «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَبِيعُونَ» می‌بینیم که عبارت «يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» به عنوان صفت «يَوْمَ» جانشین شده از تمام ویژگی‌ها و سختی‌های روز قیامت. و همچنین در آیه ۴۴ «فَدَرَبْنَا آلَ كَذِبٍ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» کلمه «الْحَدِيثِ» جانشین شده است از دعوت الهی نبی اکرم به طور عام، با این مفهوم که: هر کس را این گفتار (قرآن) و دعوت الهی را تکذیب می‌کند به ما واگذار کن.

1. Substitution

۲. آیه ۲۷ سوره قلم

حذف^۱

حذف از جمله عناصر و فنون مهمی است پژوهش‌های زبانی قدیم و جدید به آن پرداخته‌اند. در واقع این فن از فنون بارز، واضح و همیشگی زبان عربی است چرا که زبان عربی از روی میل به ایجاز به سمت آن متمایل گشته است به طوری که متکلمان در حذف و اسقاط برخی از عناصر تکراری سخن در اثناء کلام تعمد می‌ورزند (حموده، ۱۹۹۹: ۶-۹) و پژوهش‌گران هالیدی و حسن آن را از جمله عناصر ایجاد انسجام متن به حساب می‌آورند و در ایجاد انسجام برای آن نقش عمده‌ای قائل می‌شوند. همچنان‌که در ایجاد انسجام سوره مبارکه نیز نقش فعالی را برعهده دارد:

برای مثال در آیه ۳۵ سوره «أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ» عبارت یا مفهوم «سرنوشت» با قرینه بیان کلی سرنوشت و عذاب کافران در آیات پیشین حذف شده، و این حذف به منظور ایجاد انسجام، اقتصاد کلام و انگیزش تفکر و کنکاش است. و در واقع تقدیر کلام به این صورت است که: «آیا شما گمان می‌کنید که ما سرنوشت فرمانبرداران را همچون سرنوشت بدکاران رقم می‌زنیم؟» و به این شکل نمونه‌های متعدد حذف را به ترتیب در آیه‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و... می‌بینیم.

انسجام لغوی^۲

روش دیگر انسجام در کلام، انتخاب در موارد واژگانی است. انسجام واژگانی عبارت است از انتخاب مواردی که به طریقی به مطالبی که قبلاً در متن آمده است، مربوط - شوند. در واقع نقش اصلی این نوع انسجام، پیوند میان عناصر درون زبانی است، به گونه‌ای که شنونده یا خواننده خلأیی در متن احساس نکند و موضوعات را پیوسته و مرتبط بداند. در چنین وضعیتی، انگیزه خواننده به خوانش و ادامه متن تقویت می‌شود (جلالی، ۱۳۸۸). ابزارهای این نوع انسجام معمولاً تکرار و همایش هستند.

تکرار^۱

تکرار واژه با اهداف گوناگونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از آن اهداف، برقراری ارتباط و انسجام درون‌متنی است که واژه، گروه واژه یا جمله واره‌ای در چند جای متن تکرار می‌شود (همان) لارسن بر این باور است که تجلی معنی سازمانی بیشتر از طریق تکرار در ساختار متن امکان‌پذیر می‌شود. (۱۹۸۴) ساز و کار تکرار در همه سوره‌های قرآن کریم به هدف انسجام استفاده شده است (همان) همچنان‌که در سوره قلم نیز تکرارهای متعدد و منظم واژه‌ها باعث تعالی انسجام متن گشته‌اند. از جمله این تکرارها می‌توان به تکرار ده بارهٔ واژه «رب» در سراسر آیات سوره، تکرار اسم و فعل «طاف» و «طائف» از ریشهٔ «طَوَّفَ» در آیهٔ ۱۹، تکرار فعل امر و فعل ماضی «اغدوا» و «غدوا» از ریشهٔ «غَدَوَ» در آیات ۲۲ و ۲۵، تکرار پنج بارهٔ صیغه‌های متفاوت فعل «قال» در گفتگوی میان باغداران ثروتمند در آیات ۲۶ تا ۳۱، تکرار پنج بار ضمیر مخاطب «لکم» در آیات ۳۶ تا ۳۹ به منظور سرزنش و توبیخ کفار مکه، اشاره کرد.

اصلی‌ترین و انسجام‌بخش‌ترین تکرار این سوره، تکرار واژه «مَجْنُون» در آیهٔ دوم و پنجاه و یکم است که به واسطهٔ آن انسجام کلی سوره - بدون در نظر گرفتن دیگر عناصر انسجام‌بخش آن - به راحتی اثبات می‌شود. در واقع این تکرار، تکراری است پر قدرت که به راحتی وحدت موضوعی و انسجام سوره را که برای تسلیت و دل‌داری پیامبر در مقابل تهمت‌های کفار نازل شده است، اثبات می‌کند.

تکرار مترادف را در همان آیات آغازین یعنی آیه ۲ و ۶ سوره می‌بینیم: «مَجْنُون» و «الْمَفْتُونُ» و اما تکرار موسیقایی سوره را که به علت غنایش از اصلی‌ترین تکرارهای انسجام‌بخش سوره به حساب می‌آید، در سجع‌های زیبا و پی در پی با حروف قافیهٔ «وَن» و «بِن» و «بِم» و «وَم» مشاهده می‌کنیم. «یَسْطُرُون، مَجْنُون، مَفْتُون، یُبْصِرُون، یُدْهِنُون، نَامُون، یَتَخَفْتُون، لُضَالُون، مَحْرُومُون، تُسْبِحُون، یَتَلَاوَمُون و ... / عَظِیم، مَهِین،

نَمِيم، أَثِيم، زَنِيم، الصَّرِيم، زَعِيم... / مُهْتَدِينَ، الْمُكْذِبِينَ، بَيْنِينَ، الْأُولِينَ، مُصْبِحِينَ، صَارْمِينَ، مَسْكِينَ، قَادِرِينَ، ظَالِمِينَ، طَاغِينَ، الْمُجْرِمِينَ، صَادِقِينَ».

همایش^۱

استفاده از مترادف یا واژگانی که شباهت‌های معنایی را انتقال می‌دهند در قرآن کریم به طور گسترده وجود دارد. البته منظور از مترادف جایگزینی نیست که بخواهیم واژه یا گروه واژه‌ای را به جای واژه یا گروه واژه‌ای دیگر قرار دهیم، بلکه منظور از آن کلمات هم‌معنا هستند که به هدف تنوع بخشی و برقراری ارتباط میان واحدهای زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرند (جلالی، ۱۳۸۸) به عنوان مثال از جمله همایش‌های این سوره می‌توان به بارزترین آنها یعنی همایش صفات تهمت زندگان از آیه ۱۰ تا ۱۳ اشاره کرد. صفاتی که گرچه در معنا مترادف نیستند اما در قبح و زشتی کاملاً مترادف و مشابه هستند: «حَلَّافٍ / مَهِينٍ / هَمَّازٍ / مَشَاءٍ / نَمِيمٍ / مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ / مُعْتَدٍ / أَثِيمٍ / عُتْلٍ / زَنِيمٍ» یا در آیات ۲۶ تا ۳۱ که در طی چند آیه با همایش کلمات «ضَالُّونَ / مَحْرُومُونَ / ظَالِمِينَ / طَاغِينَ» احوال و سرانجام باغداران غافل و مغرور را بیان می‌کند.

پیوندی، روابط معنایی و منطقی^۲

علاوه بر عناصر واژگانی و دستوری، انسجام درون‌متنی از طریق برقراری روابط معنایی و منطقی میان جملات متن محقق می‌شود. مثلاً یک جمله مسئله‌ای را مطرح می‌کند و جمله بعدی دلیل یا نتیجه و یا شرطی برای آن ارائه و یا مطلبی بر آن اضافه می‌کند و چه بسا مثالی یا نمونه‌ای و یا نکته مقابلی برای آن مطلب عرضه می‌کند (دهقانی، ۱۳۸۸). این نوع انسجام در متن به چهار نوع ارتباط اضافی، ارتباط خلاف انتظار، ارتباط سببی و ارتباط زمانی تقسیم می‌شود. در زیر با توجه به این سه نوع ارتباط، چگونگی وجود انسجام معنایی و منطقی سوره قلم تحلیل می‌شود.

1. synonym / near-synonym

2. Semantic / logical relations

ارتباط اضافی^۱

زمانی که جمله توضیحی، تمثیلی یا مقایسه‌ای، به جمله قبلی، اطلاعاتی اضافه نماید به چنین ارتباطی، ارتباط اضافی گفته می‌شود. کلمات ربطی که برای تأمین این هدف مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از: و، کذلک، بالإضافة علی، لأجل، بدلا عن و... .

توضیحی

در این نوع ارتباط، جمله یا جمله‌هایی در متن، توضیح یا شرحی برای جمله پیش از خود به شمار می‌روند. این نوع ارتباط بیش از سایر روابط در انسجام بخشیدن به اجزای متن تأثیرگذار است (دهقانی، ۱۳۸۸). از این نوع ارتباط معنایی در سوره می‌توان آیات اولیه سوره اشاره کرد: «مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ بِأَيْكُمُ الْمَفْتُونُ»^۲

در این بخش از سوره، ابتدا آیه کوتاه و موجز «مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ» مطرح شده، سپس مطالب دیگر در قالب آیات بعدی در توضیح و بسط این آیه آمده است. با این مضمون و محتوا که: پیامبری که به واسطه دعوت و وظیفه سنگینش مستحق و شایسته پاداشی بزرگ است و همچنین دارای خلقی نیکو و والاست چگونه می‌تواند دیوانه باشد. به یقین در آینده‌ای نزدیک تو و مشرکان خواهند فهمید که کیست که دیوانه است. و خداوند تو به این مسئله آگاه‌تر است که چه کسی از راه او گمراه و منحرف شده است و هدایت یافتگان را می‌شناسد.

رابطه توضیحی بین آیه‌های این قسمت و نقش این ارتباط در انسجام سوره کاملاً آشکار است.

تمثیلی

در این نوع ارتباط، ابتدا نکته یا مطلبی فشرده بیان می‌شود، سپس موردی مشابه با این نکته مورد بررسی قرار می‌گیرد و با استفاده از این شگرد مطلب اول توضیح و گسترش

1. additive relations

۲. سوره قلم، آیات ۲ تا ۶

داده می‌شود و صورت عینی و ملموس تری پیدا می‌کند (دهقانی، ۱۳۸۸). در این سوره می‌توان به دو مورد از این رابطه اشاره کرد که اولی تمثیل باغداران ثروتمند و دومی تمثیل سرگذشت حضرت یونس (ع) می‌باشد:

الف) تمثیل آزمایش باغداران ثروتمند برای به تصویر کشی آزمایش کفار مکه:
 «إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ وَلَا يَسْتُنُونَ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ أَنْ اغْدُوا عَلَيَّ حَرِّثُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ أَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ وَغَدُوا عَلَيَّ حَرْدٌ قَادِرِينَ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضٌ يَتَلَاوَمُونَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»^۱

ب) تمثیل حوادث و سرگذشت حضرت یونس برای سفارش نبی اکرم به صبر:
 «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ لَوْلَا أَنْ تَدَارَكُهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ»^۲

مقایسه‌ای

مقایسه کردن، یکی دیگر از روش‌های ایجاد انسجام در سوره مبارکه قلم است. با این روش مضامین روشن‌تر و درک آنها آسان‌تر می‌شود (دهقانی، ۱۳۸۸) در آیه ۳۳ و ۳۵ دقیقاً از این انسجام برقرار است، چرا که آیه ۳۳ برای توضیح بهتر عذاب آخرت برای آدمی، ابتدا در آیات قبلی عذاب دنیا را توضیح داده و در نهایت در این آیه آن را با عذاب آخرت قیاس می‌کند و این چنین شدت عذاب آخرت را ملموس‌تر می‌کند.

«كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»^۱

۱. سوره قلم، آیات ۱۷ تا ۳۳

۲. همان، آیات ۴۸ تا ۵۰

در آیه ۳۵ نیز برای ملموس تر کردن وضعیت مسلمانان برای آدمی، با استفاده از استفهام انکاری آن را با وضعیت مجرمان و بدکاران مقایسه می‌کند.

«أَفَجَعَلَ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ»^۲

ارتباط خلاف انتظار^۳

این رابطه زمانی برقرار می‌شود که محتوای یک جمله خلاف انتظاراتی باشد که جمله ماقبل آن در رابطه با موقعیت متکلم و مخاطب به وجود می‌آورد (لطفی‌پور و ساعدی، ۱۳۷۴: ۱۱۵). به چنین ارتباطی، ارتباط تباینی گفته می‌شود. نمادهای متنی چنین رابطه معنایی عبارتند از: ولی، هرچند که، اگر چه، مع‌هذا، علی‌رغم... که برای مثال این نمونه از انسجام سوره قلم می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

الف) «فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ»^۴

ب) «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»^۵

ارتباط سببی^۶

این رابطه هنگامی برقرار می‌شود که یک جمله ارتباط سببی با رویداد جمله دیگر داشته باشد، (همان) چنین ارتباطی ممکن است دربرگیرنده علت، شرط، هدف یا نتیجه باشد. نمادهای این نوع رابطه عبارتند از: بنابراین، در آن صورت، چنانچه، زیرا، به لحاظ اینکه، به این منظور، در نتیجه...

علت

در این نوع ارتباط، جمله‌ای، علت وقوع رویداد و حالات جملات قبل از خود را بیان می‌کند، و انسجام و یکپارچگی خاصی به متن می‌بخشد. این نوع رابطه که از همان

۱ همان، ۳۳

۲. سوره قلم، آیه ۳۵.

3. adversative relations

۴. سوره قلم، آیات ۲۶ - ۲۷.

۵. همان، آیه ۵۲.

۶. causative relations

آیات آغازی تا پایان سوره مکرراً تکرار شده است، به سراسر سوره انسجامی درونی و کلی بخشیده است.

همان‌طور که می‌بینیم سوره، با دو آیه کوتاه در رد سخنان کفار در مورد نبی اکرم (ص) آغاز شده است: سوگند به قلم و قسم به چیزی که می‌نویسند، در سایه نعمت و لطف پروردگارت، تو دیوانه نیستی. «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ، مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ»^۱ سپس در پنج آیه بعد از آن، چهار دلیل و علت قاطع بر رد این اتهام ناجوانمردانه اقامه می‌شود: ۱- نعمت نبوتی که خدا به پیامبر عطا کرده است،^۲ اخلاق پسندیده و مثال زدنی ایشان برای نشان دادن این مسئله که این خصلت‌ها با ویژگی‌های یک فرد مجنون ناسازگارند ۳- اشاره که به زودی آیندگان قضاوت خواهند کرد، رفتار چه کسانی شبیه به دیوانگان است؛ مشرکان شکست خورده یا پیامبری که با اعتماد به نصرت الهی راه حق و عدالت را در پیش گرفته است. ۴- اعلام عدم صلاحیت کفار برای تشخیص جنون و گمراهی، چرا که اصولاً کسی می‌تواند گمراهی و جنون را از هدایت شده تشخیص دهد که خود راه هدایت را شناخته و با همه ابعاد آن آشنا باشد. کسی که خود در گرداب گمراهی غوطه‌ور است، چگونه می‌تواند حق را از باطل تشخیص بدهد و دیگران را متهم به گمراهی و جنون کند. «وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ بِأَيِّكُمُ الْمَمْنُونُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»^۲ و این‌گونه شگرد دلیل آوری در جملات بعدی به سوره انسجام می‌بخشد و این روند در آیات بعدی نیز ادامه می‌یابد.

«فَلَا تَطْعِ الْمُكَذِّبِينَ وَذُؤَا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ»^۳ آیه نهم دلیلی برای آیه هشتم است، به این صورت که خداوند تعال دلیل اطاعت نکردن از دروغگویان را، تمایل آنها به نرمی و سازش پیامبر و در نتیجه نرمی و سهل‌انگاری خودشان عنوان می‌کند.

۱. سوره قلم، آیات ۱ - ۲.

۲. سوره قلم، آیات ۳ - ۷.

۳. همان، آیات ۸ - ۹.

و در این بخش از آیات، «وَلَا تَطْعُ كُلَّ حَلَاظٍ مَّهِينٍ هَمَّازٍ مَشَاءٍ بَنَمِيمٍ مَّنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ عُتُلٌّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَنَبِينٍ - آیه ۴۱ دلیلی برای وجود آیات ۱۰ تا ۱۳ است. یعنی ثروتمند بودن و صاحب اولاد بودن دلیل صفات نکوهیده کفار مکه است والله اعلم. و در آیات ۴۴ و ۴۵ جمله‌های «سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» و «إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ» علت جملات پیش از خود هستند، خداوند متعال می‌فرماید: ای پیامبر، کسانی که قرآن را دروغ می‌شمرند به من واگذار کن چراکه ما آنان را اندک اندک به گونه‌ای که در نیابند و از راهی که متوجه نشوند به سوی عذاب خواهیم کشاند. و به آنها مهلت می‌دهم چرا که تدبیر من سخت استوار است.

«مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأَمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ»^۱

و این چنین تا پایان سوره مدام با دلیل آوری‌های پی در پی متن سوره منسجم می‌شود. نتیجه: در این نوع ارتباط، آیه یا آیه‌هایی نتیجه آیات یا آیه پیش از خود هستند. همچنان که در آیه زیر می‌بینیم جمله «سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ» نتیجه است برای ماقبلش. یعنی: هنگامی که آیات ما بر او خوانده شود گوید افسانه‌های پیشینیان است، در نتیجه به زودی بر بینی او داغ ننگ نهیم و رسوایش کنیم.

«إِذَا تَتَلَّى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ»^۲

هدف

در این نوع ارتباط انسجام بخش، یک یا چندین جمله، به‌عنوان انگیزه و هدف انجام کار در جمله پیشین مطرح می‌شوند. همچنان که می‌بینیم قرآن کریم انگیزه‌ها و اهدافی را که کفار مکه را به اعمال و داوری اشتباه سوق داده برمی‌شمرد و به واسطه واژه «أو» حالات مختلف ممکن را در آیات ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۶ و ۴۷ بیان می‌کند: «شما را چه می‌شود؟! چگونه داوری می‌کنید؟! آیا انگیزه و هدف این گونه داوری

۱. همان، آیات ۴۴ - ۴۵.

۲. سوره قلم، آیات ۱۵ - ۱۶.

کردن شما این است که شما کتابی «از جانب خدا» دارید که از روی آن «قوانین خدا را» می‌خوانید «و برابر آن حکم صادر می‌کنید؟». و شما آنچه را که بر می‌گزینید «و برابر آن داوری می‌کنید» در آن است؟ یا با ما پیمان‌هایی بسته‌اید که تا روز قیامت به هر چه حکم کنید حق شما باشد؟ از آنان پرس، کدام یک از ایشان، ضامن چنین پیمان‌هایی است. یا این که شریک‌هایی دارند «که همچون ایشان می‌اندیشند، و سردستان و خط‌دهندگان ایشان بوده و از آنان حمایت و جانبداری می‌کنند؟». اگر راست می‌گویند، شرکاء «و رؤساء» خود را بیاورند «تا شهادت بر ضمانت خود را بدهند و بگویند که از مشرکان در محضر یزدان دفاع و حمایت خواهند کرد». یا اینکه تو از ایشان «در برابر تبلیغ رسالت، بدون این که ما بدانیم» مزدی خواسته‌ای و پرداخت آن برای آنان سنگین است «و از ادای آن در رنج هستند؟!». یا این که اسرار غیب پیش ایشان است و آنان «آنچه را که می‌گویند از روی آن» می‌نویسند؟!

«مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَّا تَخَيَّرُونَ أَمْ لَكُمْ آيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَّا تَحْكُمُونَ سَأَلَهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ»^۱.

شرط

در این نوع ارتباط، وقوع یا عدم وقوع فعل در یک جمله به وقوع یا عدم وقوع فعل در جمله دیگر بستگی دارد. در سوره مبارکه قلم فقط دو بار این شگرد انسجام بخش ظاهر شده است که در زیر به آن می‌پردازیم:

در آیه ۲۲ می‌بینیم که باغداران ثروتمند به ندا می‌دهند که: «اگر می‌خواهید میوه‌های خود را بچینید، صبح زود حرکت کنید و خویشان را به کشتزار خود برسانید»:

أَنْ اغْدُوا عَلَيَّ حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^۲

۱. همان، ۳۶-۴۷.

۲. سوره قلم، آیه ۲۲.

یا آیه ۴۱ سوره که می‌فرماید: «چرا کفار اینگونه حکم و داوری می‌کنند؟» آیا به این دلیل است که شریک‌هائی دارند «که همچون ایشان می‌اندیشند، و سردستگان و خطّ دهندگان ایشان بوده و از آنان حمایت و جانبداری می‌کنند؟». اگر راست می‌گویید، شرکاء «و رؤساء» خود را بیاورند: «أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فُلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ»^۱.

ارتباط زمانی^۲

برای بیان توالی زمانی بین رویدادهای دو یا چند جمله و برقراری رابطه معنایی استفاده می‌شود. نمادهای متنی این رابطه معنایی عبارتند از: نخست، سپس، بعد، قبل از آن، در این لحظه، سرانجام... این نوع ارتباط هرچند که در سراسر سوره و اکثراً به وسیله حرف «فَ» به معنی «سپس» قابل مشاهده است اما بارزترین و برجسته‌ترین نمود آن را می‌توانیم در شرح داستان باغداران ثروتمند ببینیم که به صورت توالی زمانی و مرحله مرحله داستان را پیش می‌برد و به سرانجام و نتیجه می‌رساند، از جمله نمادهای متنی که برای روشن شدن توالی زمانی این داستان مطرح می‌شوند عبارتند از ادات و ظروف زمان: إِذْ، مُصْبِحِينَ، فَ، الْيَوْمَ.

«إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ وَلَا يَسْتَتِنُونَ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ أَنْ اغْدُوا عَلَيَّ حَرِثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَأَنْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ أَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ وَغَدُوا عَلَيَّ حَرْدِقَادِرِينَ فَلَمَّارَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تُسَبِّحُونَ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كُنَّا ظَالِمِينَ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَي بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ»^۳.

نتیجه‌گیری

مطالب سوره مبارکه قلم از پنج بخش: ۱- دلایل نفی جنون از پیامبر ۲- خصوصیات اخلاقی و شخصیتی تهمت‌زندگان ۳- عاقبت شوم تهمت‌زندگان ۴- وظیفه پیامبر در

۱. همان، آیه ۴۱.

۲. temporal relations

۳. سوره قلم، آیات ۱۷-۳۰.

برابر مشرکان و تهمت‌های آنان ۵- تصویر اوج درماندگی مشرکان در تهمت جنون، تشکیل یافته است، که با بررسی عوامل و عناصر ایجاد انسجام در کل متن سوره، اتصال و ارتباط و در نتیجه انسجام کلی این پنج بخش به اثبات می‌رسند. در واقع با بررسی و تطبیق تقسیم‌بندی‌های نظریه‌های هالیدی و حسن بر این سوره مبارکه، مقاله حاضر به این نتیجه رسیده است که هر سه نوع اصلی انسجام یعنی: ساختاری، لغوی، و پیوندی - معنایی در این سوره برقرار و کلیه شگردهای عناصر آنها جز به جز بر این سوره منطبق است. برای مثال می‌توان به انسجام پیوندی - معنایی سوره اشاره کرد. در واقع برقراری این نوع انسجام در سوره مبارکه قلم بیشتر به واسطه عناصر و عواملی همچون موارد زیر است:

۱- ارتباط اضافی تمثیلی که مصداق آن را در داستان باغداران ثروتمند و همچنین داستان حضرت یونس (ع) می‌بینیم، ۲- ارتباط سببی که بیشترین مصادیق آن را در علت‌آوری‌های پی در پی و همچنین بیان نتیجه و ابراز انگیزه و هدف امور می‌بینیم. ۳- ارتباط زمانی، که در سرتاسر سوره و بیشتر به وسیله حرف ربط «ف» - به معنی سپس - و حرف «إذا» - به معنی هنگامی که - برقرار شده است، و برجسته‌ترین نمود آن را در بیان داستان باغداران ثروتمند مغرور و مقایسه آزمایش و عذاب آنها با آزمایش و عذاب کفار مکه، است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آقای، سیدعلی. (۱۳۸۶). «انسجام ساختاری در قرآن پژوهشی درباره رهیافت اصلاحی در تفسیر قرآن»، کتاب خردنامه.
۳. جلالی، جلال الدین. (۱۳۸۸). «ضرورت شناخت و کاربرد انسجام و پیوستگی در ترجمه انگلیسی قرآن». ترجمان. شماره ۲۵.
۴. جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۹۰). «عملیات روانی در صدر اسلام، عملیات روانی مشرکان علیه پیامبر(ص) و قرآن»، پایگاه اطلاع رسانی سراج اندیشه.

۵. حموده، طاهر سلیمان. (۱۹۹۹). *ظاهرة الحذف في الدرس اللغوي*. الإسكندرية: الدار الجامعية للطباعة و النشر و التوزيع.
۶. دهقانی، ناهید. (۱۳۸۸). «بررسی عناصر ایجاد انسجام متن در کشف المحجوب هجویری»، دو فصلنامه آیین میراث، شماره ۴۵.
۷. کریمی‌نیا، مرتضی. (۱۳۷۶). «از مقتضیات زبان فارسی در ترجمه قرآن کریم»، فصلنامه‌ی حوزه و دانشگاه، سال سوم، شماره ۱۰.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۸۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. العوا، سلوی. (۱۳۸۷). «تناسب مضمونی و انسجام ساختاری در قرآن»، ناقد سید علی آقایی، کتاب ماه دین، شماره ۱۳۲.
۱۰. غلامحسین‌زاده، غلامحسین و حامد نوروزی. (۱۳۸۷). «نقش ارجاع شخصی و اشاره‌ای در انسجام شعر عروضی فارسی»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۵، شماره ۱۹.
۱۱. لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). «در آمدی بر سخن‌کاوی»، تهران: مجله زبانشناسی، سال نهم، ش ۱.
۱۲. _____ . (۱۳۷۴). در آمدی به اصول و روش ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
۱۳. محمودی، شعیب. (۲۰۱۰). *بنیة النص فی سورة الکهف: مقاربة نصیة للإتساق و السیاق*، تحت إشراف الأستاذ الدكتور یحیٰ بیعطیش، الجزائر: جامعة منتوری.
۱۴. معین‌الدینی، فاطمه. (۱۳۸۲). «شگردهای ایجاد انسجام متن در کلیده و دمنه»، مجله فرهنگ، شماره ۴۶ و ۴۷.
۱۵. محمد ابراهیمی، زینب. (۱۳۷۵-۷۶). *روابط انسجامی در زبان فارسی (ارجاع)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
16. Halliday, M.A.K. and Ruqaiya Hassan. (1976). *Cohesion in English*, London: Longman.
17. Widdowson, H.G. (1978). *Teaching Language as Communication*. Oxford: O.Up.
18. Larson, M.L. (1984). *Meaning-based Translation*. New York, University Press of America.